

کتاب تاریخ جهان‌آرای مروزی

ناصر تکمیل همایون

استاد بازنشسته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

درآمد

کتاب تاریخ جهان‌آرا که گاه با نام‌های دیگر چون کتاب جهانگشا، جهانگشای مروزی، جهانگشای فتحعلی شاهی، جهان‌آرای تاریخ شاهنشاهی و جز اینها، در فهرست‌های گوناگون آمده، هنوز هم به حلیه طبع آراسته نشده است. مؤلف این کتاب، محمدصادق وقایع‌نگار مروزی، داروغه دفترخانه همایون در دوره فتحعلی شاه قاجار است. وی در حدود سال‌های ۱۱۸۵ - ۱۱۸۰ ق. در مرو به دنیا آمده و پس از پایان تحصیلات مقدماتی در موطن خود، در پی حملات بیکی‌جان منغی‌ای ازبک - امیر بخارا - به مرو و حوالی آن و کشته شدن بیرامعلی خان قاجار - حاکم آن دیار - و ویران کردن شهر و ازدست دادن پدر و برادر، برای ادامه تحصیل، چندی به مشهد و از آنجا به کربلا و نجف رفته است.^(۱)

محمدصادق مروزی در بازگشت، مدتی در قم و کاشان، در محضر استاد سلیمان صباحی - شاعر و ادیب مکتب جدید اصفهان - به آموختن ادبیات و شعر و شاعری، روزگار گذرانده و پس از درگذشت استاد در سال‌های ۸- ۱۲۰۶ قمری، اندک اندک به فکر اقامت در تهران افتاده است. با کمک فتحعلی خان صبا (ملک‌الشعرا

دربار) که از دوستان کاشانی او در دوره تحصیل در محضر صباحی بود و محمدحسین خان مروی (فخرالدوله - انیس بارگاه سلطانی) فرزند بیرامعلی خان (حاکم مقتول مرو)، که هر دو در بساط سلطنت منزلت خاصی داشتند، در زمره منشیان دیوان درآمد و در سال ۱۲۱۵ قمری (در سن سی و پنج سالگی) به مقام وقایع نگاری منصوب شد. در آن زمان، با آنکه وقایع نگاران و تاریخ نویسان دیگری نیز در دربار حضور داشتند، مروزی به معنای خاص به «وقایع نگار» ملقب شد و به قول خودش، «پس از رنج بی شمار، از سعادت بخت به شرف آستان بوسی خاقان گیتی ستان مستعد گردید و مورد التفات بیکرانه خاقانی شد». (وقایع نگار مروزی، ۱۳۲۲: برگ ۱۱۵)

وی پس از ده سال، در سال ۱۲۲۵ قمری «داروغه دفتر معلی» شد و تا پایان زندگی در سال ۱۲۵۰ قمری، به قول رضاقلی خان هدایت، «مکرر به سفارت سرحدات خراسان و آذربایجان و عراق عرب مأمور گشت و اعتباری خطیر یافت». (هدایت، ۱۳۳۶: ج ۲، ص ۱۱۸۷)

همزمان با مرگ فتحعلی شاه قاجار، وقایع نگار نیز «داعی حق را لیک اجابت گفته و در گذشت و فرزند ارجمند خلف الصدقش میرزا محمدجعفر به منصب و مرتبه و راتبه وی علی الاستحقاق ممتاز شد». (همان)

۱. موقعیت علمی و فرهنگی مروزی

میرزا محمدصادق وقایع نگار مروزی، فزون بر مشاغل دولتی - چون «داروغگی دفترخانه همایون» و «فرستادگی» و «رایزنی های حکومتی» در درون و برون قلمرو قاجاریه و منصب والای «وقایع نگاری» - اهل ذوق و شعر و ادب نیز بوده و از خود آثار چندی به شرح زیر به یادگار گذاشته است:

بیش از ۲ میلیون مقاله فارسی در این سایت موجود میباشد

دیوان اشعار: شامل غزلیات و قصاید و ترکیب‌بندها و ترجیع‌بندها و قطعات و رباعیات که با تخلص «هما» یا «همای مروزی» و گاه «همای خراسانی» ویژگی یافته است؛

زینت المدایح: تذکره‌ای در احوال و اشعار شاعران جدید مدیحه‌سرای عصر فتحعلی‌شاهی؛

قواعد الملوک یا شمیم عباسی: شامل پند و اندرز درباره حکومت و داوری در رفتار حاکمان با مردم؛

راحة الارواح: داستان و افسانه‌سرایی برای فتحعلی‌شاه؛

رطب اللسان: افزوده‌ای بر تاریخ ده‌ساله سلطنت فتحعلی‌شاه؛

دیباچه دیوان فتحعلی‌شاه: درباره ازدواج عباس میرزا؛

منشآت و نامه‌های ارسالی به بزرگان علم و ادب و سیاست، از آن میان میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی.

سبک و نگارش و انشای مروزی به قول ملک‌الشعراى بهار «قدری متجدد است ولی نه چون قائم مقام» (بهار، ۱۳۳۷: ج ۳، ص ۳۳۲)؛ اما قائم مقام خود به وقایع‌نگار نوشته است: «بدایع افکار سرکار... به جایی است که دست هیچ آفریده بدانجا نرسیده» و از قول نایب‌السلطنه عباس میرزا افزوده است: «فرمودند الفاظ و عبارات وقایع‌نگار مثل آب زلال و صافی است که حاجب ماوراء نیست». (مخزن‌الانشاء، ص ۲۰۹؛ به نقل از آرین‌پور، ۱۳۵۱: ج ۱، ص ۷۶)

۲. کتاب جهان‌آرا در مسیر تاریخ‌نگاری معاصر ایران

وقایع‌نگار مروزی، متعلق به آغاز دوره معاصر تاریخ ایران است و افکار و اندیشه‌ها و برداشت‌های عقیدتی و حکومتی وی ساخته و پرداخته آن روزگار و دهه‌های پیش از آن است.^(۲)

شناخت کتاب تاریخی او به طور دقیق، همانند بسیاری از تألیفات تاریخی دیگر، در روند فرهنگی تاریخ‌نگاری ایران، از اوان یورش مغولان و عصر تیموری قرار دارد و در این مسیر روشن‌تر و آشکارتر، دستاوردهای مثبت و منفی آن به‌رشته تحریر درمی‌آید.

با آنکه پدیدارهای فرهنگی همواره در تسلسل تاریخی قرار دارند، پیوند تاریخ‌نگاری عصر صفویه در هر سه دوره با تألیف *حبیب‌السیر* - خواندمیر (دوره اول)، *احسن‌التواریخ* - حسن روملو (دوره دوم)، *خلاصه‌التواریخ* - احمدبن حسین منشی قمی (دوره سوم)، چه در تواریخ عمومی یا دودمانی و محلی با نگارش‌های مورخان پیشین از آن میان *ظفرنامه* شرف‌الدین علی یزدی (ف ۸۵۸ ق.) همسانی و مشابهت تقلیدگونه دارد.

در دوره پس از صفویه، نه تنها نزد پاره‌ای از تاریخ‌نگاران همانند مورخان صفوی، از گذشتگان تقلید شده، بلکه از نوشتارهای مورخان صفوی نیز اقتباس شده است. باید افزود که در دوره صفویه، منصب «واقع‌نویسی» یا «مجلس‌نویسی» به‌مرور با دسترسی به منابع و مآخذ معتبر و بایگانی سلطنتی و حکومتی و ذوق و قریحه منشیان دیوانی، شکل «تاریخ‌نویسی» پیدا کرد و این رشته از معارف انسانی و اجتماعی را بیش از گذشته در خدمت سلطنت و نهاد حکومت قرار داد، به گونه‌ای که آثار فرهنگی آن تا زمان‌های زیاد باقی ماند.^(۳)

در دوره آشوب که از سقوط اصفهان، تختگاه صفویان (۱۱۳۵ ق.) تا تاجگذاری آقامحمدخان قاجار (۱۲۱۰ ق.) در تهران را دربرمی‌گیرد، «سوانح‌نگاران» و «وقایع‌نویسان» متعددی، به نگارش آثار تاریخی اقدام کرده‌اند که جز چند استثنا، اکثر آنان در شیوه سنتی صفوی و پیش از صفوی نامبردار شده‌اند. مشهورترین آنان عبارت‌اند:

میرزامهدی استرآبادی که کتاب *دره نادره* او یادآور تاریخ و صاف است (شهیدی، ۱۳۴۱) و کتاب دیگرش به نام *جهانگشای نادری* همان کتاب است که با انشای ساده‌تر تألیف شده است. (انوار، ۱۳۴۱)

میرزا کاظم وزیر مرو در *عالم‌آرای نادری*، به شیوه *عالم‌آرای عباسی* اسکندر بیگ ترکمان و *ظفرنامه* علی یزدی نظر داشته است و با آنکه گاه در نوشته‌هایش اغراق و مبالغه و قصه‌پردازی هم دیده می‌شود، صداقت و بی‌طرفی او از میرزامهدی استرآبادی - که دولتمرد افشاری بود - بیشتر به نظر می‌رسد (امین ریاحی، ۱۳۶۹).
ابوالحسن بن محمد امین گلستانه که کتاب *مجمّل‌التواریخ* خود را به رویدادهای سی و پنج ساله بعد از نادرشاه اختصاص داده است، سبک نگارش ساده و روانی دارد و به قول مرحوم استاد مدرّس رضوی، «اگر با روش و اسلوب نویسندگی آن زمان و کتب مؤلفه آن عصر مقایسه شود، معلوم می‌گردد که به کلی خارج از آن اسلوب و روش است؛ ولیکن گلستانه گاهی به تقلید از کتاب *جهانگشا* به عبارت‌پردازی پرداخته، انشای او ناخوش و ناپسند و گاه پیچیده و نامفهوم شده است و شاید اختیار شیوه ساده‌نویسی از نگارش این کتاب از آن جهت بوده که مؤلف چون در زمره فضلا و نویسندگان نبوده و در شیوه نویسندگی دستی نداشته، این کمی مایه او موجب خوشبختی کتاب شده که کمتر دستخوش عبارات متکلف و ناهنجار آن زمان گشته است». (مدرّس رضوی، ۱۳۵۶: بیست و چهار و بیست و پنج)

کتاب *تاریخ گیتی‌گشای موسوی‌نامی اصفهانی* و ذیل آن را که سعید نفیسی به چاپ رسانده، به عقیده مصحح دانشمند «در میان سه - چهار کتابی که در تاریخ سلسله زند نوشته شده، از همه دقیق‌تر و کامل‌تر و معتبرتر است. مؤلفان آن، خود معاصر با وقایعی بوده‌اند که در این کتاب شرح می‌دهند و در بسیاری از آن وقایع خود حاضر بوده‌اند و به همین جهت کمتر کتابی در زبان فارسی هست که این درجه از اعتبار و راستگویی را داشته باشد. یگانه عیبی که این کتاب، بیشتر، و دو ذیل آن،

کمتر، دارند، این است که به روش تاریخ‌نویسان آن زمان، با انشایی که کنایات و استعارات و تشبیهات بی‌مورد مخمل و اطناب‌های فراوان دارد، نوشته شده و گاهی خواننده را گمراه می‌کند و پس از مدتی سرگردانی مطلب در ذهن او نقش می‌بندد.» (نفیسی، ۱۳۶۳: ب)

کتاب *تاریخ گلشن‌مراد*، تألیف میرزا ابوالحسن غفاری کاشانی و فرزندش میرزا محمدباقر، یکی دیگر از کتاب‌های مغلط و پراستعاره و پرکنایه عهد زندیه (از کشته شدن نادرشاه تا مرگ کریم‌خان) است که در آن، اوضاع اجتماعی زمان کم و بیش آشکار شده است.

کتاب *مجمع‌التواریخ*، تألیف میرزا خلیل مرعشی صفوی، متن باارزش دیگری است که در آن، تاریخ ایران از انقراض صفویه و وقایع آن تا سال ۱۲۰۷ قمری به‌رشته‌ی تحریر کشیده شده است و به‌قول عباس اقبال آشتیانی، این کتاب «از حیث انشاء امتیاز خاصی ندارد، بلکه غالباً جملات آن بریده‌بریده و افعال رابط محذوف یا مکرر است. فقط حیث عمده آن، سادگی و خلوص آن از تکلف است و به همین جهت به مراتب بر درّه نادره و جهانگشای نادری و گیتی‌گشای میرزا محمدصادق نامی و گلشن‌مراد میرزا ابوالحسن غفاری ترجیح پیدا کرده و در یکی دو جا هم که مؤلف خواسته است از ساده‌نویسی منحرف شود و راه تکلف و تصنع پیش گیرد... باز خوب از عهده برآمده و عباراتش به‌هیچ‌وجه مغلط و ترکیباتش زیاد غریب و دور از ذهن نیست.» (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۲: ۹)

کتاب *روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس، تذکره داود (زبور آل داود)* تألیف سلطان هاشم میرزا (پسر شاه سلیمان ثانی و عم محمد خلیل مرعشی صفوی مؤلف *مجمع‌التواریخ*)، کتاب *زبدة‌التواریخ* تألیف محمد محسن مستوفی، کتاب *تاریخ زندیه* تألیف علی‌رضا عبدالکریم شیرازی، کتاب *فوائد صفویه* تألیف ابوالحسن ابراهیم قزوینی، کتاب *رستم‌التواریخ* تألیف محمد هاشم آصف (رستم‌الحکما) و چند کتاب

دیگر، چون تذکره حزرین تألیف محمدعلی حزرین (در وقایع سال‌های ۵۳-۱۱۳۳ ق.)، دوره اول سلطنت قاجاریه را به دوره‌های پیشین پیوند داده‌اند.

۳. طلعه تاریخ‌نگاری قاجار

از آغاز سلطنت فتحعلی‌شاه، در پی رونق مکتب ادبی اصفهان (دوره بازگشت) و علاقه‌مندی فتحعلی‌شاه به شعر و شاعری و تقلید از دربار سلطان محمود غزنوی و فراخواندن ادیبان و منشیان مبرز با تلاش‌های محمدحسین خان مروی و فتحعلی‌خان صبا به کار در دیوان سلطنت، اندک اندک تحوّل ادبی و حکومتی پدید آمد و بسیاری از افراد که اهل فضل و دانش بودند، در دربار جدید صاحب منصب و مقام شدند. در همین زمان، تاریخ‌نویسی و وقایع‌نگاری نیز رونق یافت و از طرف شاه یا شاهزادگان، منشیان برجسته به نگارش تاریخ فرا خوانده شدند. محمدفتح‌الله‌بن محمدتقی ساروی، یکی از منشیان ادیب زمان، که از سوی آقامحمدخان قاجار مأموریت‌هایی انجام داده بود، به دستور باباخان (فتحعلی‌شاه)، نخستین کتاب درباره آقامحمدخان را تألیف کرده است. او در مقدمه کتاب، ضمن روشن کردن خط و ربط تاریخ‌نویسی خود، بیان می‌دارد:

چون مورخان سخن ساز و نکته‌پردازان معنی طراز که چمن‌پیرایان بساتین‌انهار و گلدسته‌بندان شقایق حدایق ابناءند، مانند جناب بهاء‌الدوله بن خواجه شمس‌الدین محمد جوینی مورخ جهانگشای چنگیزخان، حضرت ملّا عبدالله بن فضل‌الله شیرازی مؤلف تاریخ و صاف که مبین وقایع چنگیزخانان و درحقیقت متمم جهانگشاست تا انقراض سلسله مغولیه، مولانا شرف‌الدین علی یزدی راقم ظفرنامه تیموریه، ملا ادریس بدلیسی مسوّد نسخه هشت بهشت قیصره عثمانیه، وحیدالعصر و قریب‌العهد استادی محمد مهدی‌خان استرآبادی منشی دره نادری و تاریخ‌نادری مؤلف سنگلاخ لغات ترکیه که تمامی سخن‌طرازان تحریر کامل و منشیان بی‌نظیر فاضل‌اند. ذکر حالات طبقات ملوک و سلاطین عهد و سابقه و شرح آثار خواتین قرون سابقه کرده، گزارش سوانح ایام و وقایع احوال ایشان را جمع آورده‌اند.

آنگاه افزوده است:

این محتاج رحمت رب صمد، ابن محمد تقی الساروی محمدفتح‌الله - نور قلوبهما فی بساتین‌النشائین من ابداالابد - که از داعیان دربار خاقانی و [از] چاکران قآنی است، به حکم شاهزاده سخن سنج قدردان و نور دیده ملک و ملوک عهد و اوان... از مزاولت جمیع مهمام ممنوع و به تحریر حقایق و صوا در امور این خدیو محتشم و قبله عالم و کعبه آمال ترک و عرب و عجم شروع نمود.

در پایان اضافه کرده است «اگر فقیر این تاریخ را احسن‌التواریخ گوید و بدین معنی به خویشان نازد، هر آینه بیهوده نخواهد بود. «استغفرالله» اما «شاهزاده گرامی این نامه نامی را به دو نسبت مسمی تاریخ محمدی گردانید» (ساروی، ۱۳۷۱: ۲۳-۲۲)

تألیف این کتاب ده سال به طول انجامید و وقایع هیجده سال تاریخ قدرتمداری آقامحمدخان را دربر دارد. گویا عباس میرزا، فرمان‌نگارش کتاب دیگری درباره سلطنت فتحعلی‌شاه را به او داده بود؛ اما از آن تألیف، هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست.

سبک ساروی که از مقدمه آن برمی‌آید، همانند بسیاری از مورخان دیگر، متأثر از میرزاهمدی استرآبادی است و تاریخ محمدی خود کتاب‌های تاریخی عصر قاجار را تحت تأثیر قرار داده است. از آن میان در جهان‌آرای مروزی چنین آمده است:

مولانا محمد ساروی نیز تاریخی مشتمل بر مجملی از وقایع آن پادشاه گیتی‌پناه نوشته است. در این نسخه نیز به اقتضای مقام، بعضی از آن وقایع را ضمن برخی از حکایات ایراد خواهد نمود. (وقایع‌نگار مروزی، ۱۳۲۳: برگ ۹ ب)

عبدالرزاق بن نجفقلی خان دنبلی، یکی دیگر از تاریخ‌نگاران این دوره است. کتاب وی به نام مآثر سلطانیه، شهرت زیادی دارد. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۲۴۱ قمری در تبریز به چاپ رسیده است.

دنبلی در مقدمه کتاب خود نوشته است:

فرمان از دیوان سلطنت برین بنده بی‌بضاعت حاوی اوراق ابن‌نجفقلی عبدالرزاق رسید که با عدم فصاحت و استطاعت به تحریر صوا در احوال خجسته‌مآل پردازد و محاسن آثار دولت جاویدقرار را تاج افتخار اخبار سلف سازد و این بنده به مفاد «المأمور معذور»، مجملی از مآثر عهد همایون و صادرات احوال و اوضاع دولت

روزافزون را بی‌اغراق منشیانه و سخن‌پردازی و اطباب ممل و ایجاز مخمل به‌رشته‌ تحریر و تقریر کشیده و صوا در احوال و اوضاع اعلیحضرت شاهنشاهی و کیفیت مجاهدات و محاربات نواب خلافت پناهی را بر صفحه‌ بیان و معاونت بنان در قلم آورد و این کتاب را موسوم به *مآثر سلطانیه* گردانید. (دنبلی، بی‌تا)

میرزا محمد رضا مستوفی تبریزی و عبدالکریم بن علیرضا الشریف شهاوری، دو تن از منشیان برجسته و فاضل عصر خود بودند که تاریخ ایران را از آغاز تا ظهور اسلام و از دوران اسلامی تا سال ۱۲۲۲ قمری به‌دستور فتحعلی‌شاه در دو جلد به‌نام *زینت‌التواریخ* تألیف کردند. در این کتاب نیز به‌سان تاریخ‌نامه‌های زمان آمده است:

اگر التفات خورشید شاهانه پرتو افکن ظلمت کده ضمیر نمی‌گشت هر آینه قلم قدم به سر منزل این کار نمی‌گذاشت و در میدان سخن لوای وقایع نگاری نمی‌افراشت. (شیرازی، بی‌تا: برگ ۴۸۳ ب)

بخش تاریخ بعد از صفویه در *زینت‌التواریخ* بسیار ارزشمند است که سرجان مالکم از آن استفاده کرده است. مستوفی تبریزی در آخرین صفحه *زینت‌التواریخ* آورده است:

از اینکه داروغه دفترخانه سپهر آثار، میرزا محمد صادق مروزی وقایع‌نگار، مفصل احوال را در تاریخ *جهان‌آرا* مرقوم خامه بلاغت آثار ساخت، پیرائمن تفصیل امور نگردیدم. (همان)

فضل‌الله‌الحسینی شیرازی المنشی المتخلص به خاوری، یکی دیگر از وقایع‌نویسان نامی دوره اول سلطنت قاجاریه است. وی به واقعیّت امر وقایع‌نگاری پی برده اما در همه جا نتوانسته است «واقعیّت‌ها» را بیان دارد. او در کتاب ارزشمند خود به‌نام *تاریخ ذوالقرنین* از قول حضرت صاحبقران آورده است:

منظور از وقایع‌نگاری، اطلاع خاصه و عامه از اوضاع مملکت است نه مقصود انشاء‌پردازی و اظهار فضیلت. تاریخ باید مختصر و با سلاست و پرمفعت باشد نه مطول و پر بلاغت و بی‌خاصیت. تاریخ‌نگار را هم لازم است که راست‌گفتاری پیشه کند و از نگارش اقوال کاذبه اندیشد؛ نه وقایعی از دولت را سهل شمارد و کان‌لم‌یکن انگارد، نه تطویلات لاطال که مورث کدورت و ملامت دل است، بر صفحه نگارد؛ وقایع‌نگاری را باید جلب نفع نسازد و به تعریفی که درخور پایه

هر کس نیست، نپردازد؛ فرشته را دیو نخواند و دیو را فرشته نداند؛ اغراض نفسانی را که لازم ذات حیوانی است، به کنار گذارد و به راست گفتاری و درست‌نگاری قلم بردارد. (خاوری، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۷)

با این حال، نگارش مؤلف تاریخ ذوالقرنین به گونه‌ای نظم یافته است که «سلطان سلاطین جهان را مقبول خاطر خورشیدمظاهر آید.» (همان)

مؤلف در جای دیگر که از قتل اعتمادالدوله میرزا ابراهیم کلانتر شیرازی سخن می‌گوید، چنین آورده است:

اگرچه مرحومین مغفورین میرزا محمدرضی تبریزی منشی و میرزا محمدصادق مروزی وقایع‌نگار، در تواریخ تألیفی خود جناب حاجی ابراهیم‌خان اعتمادالدوله شیرازی را خائن و مقصّر و مستحق سیاست نوشته‌اند و از رهگذر تقیه در دربار سلطنت، حق داشته‌اند. چون این بنده مدحت‌گزار مأمور به این بود که حقیقت هر وقایع را بالمشافهه از سر کار صاحبقرانی تحقیق و همان فرمایش را بدون کم و زیاد تحریر نمایم، لهذا به این داستان که رسیدم، احوال پرسیدم؛ در جواب مقرر فرمود که هرگاه بتوانی، طوری بنویس که آمر و مأمور هر دو بی تقصیر شوند. (همان، ص ۱۴۶)

خاوری در مورد قبول وقایع‌نویسی خود از طرف پادشاه چنین آورده است:

میرزا محمدرضی تبریزی، صاحب رقم و عنوان‌نگار دولت جاویدقوام، کتابی مسمی به زینت‌التواریخ از بدایت ظهور خلقت عالم تا ده‌ساله وقایع دولت جاویدقوام نوشته و به حکم قضا ازین دار فنا در گذشته است. جناب میرزا محمدصادق مروزی شیرازی، وقایع‌نگار و داروغه دفتر قدرآثار، نیز کتابی مسمی به تاریخ جهان‌آرای ترتیب داده و سی‌وشش‌ساله وقایع دولت روزافزون را تحریر نموده، ابواب بلاغت و فصاحت بر چهار مستمعین گشوده است و به سبب وفور افسردگی و گرفتاری امور معاد و معاش، بعضی وقایع از قلم بدایع رقمش افتاده بل افتاده از نوشته زیاده است.

این بنده مدحت‌گزار که اکنون قریب سی سال است که در دربار دیوان قدربنیان اعلی چاکرم و جمیع تحریرات وقایع دولت را خود مباشر، دقت‌ها کردم و زحمت‌ها بردم. الحمدلله والمنة از فیض تربیت شاهنشاه مروت آیت جمیع وقایع دولت را به‌رشته تحریر در آوردم... و دولت ابدمدت را نگارنده وقایع آمدم. (همان، ص ۸)

۴. چگونگی کتاب تاریخ جهان‌آرا

کتاب جهان‌آرا، مشهورترین اثر وقایع‌نگار مروزی است که از معروف‌ترین کتاب‌های تاریخی عصر اوّل قاجاریه به‌شمار می‌رود. نام و عنوان این اثر را طبق گفته مروزی، فتح‌علی شاه صادر کرده است: «از مصدر خلافت عظمی تاریخ جهان‌آرا نامش آمد و اقبال بی‌زوال شاهنشاه عدیم‌الزوال مشوق اتمامش» (وقایع‌نگار مروزی، بی‌تا: جلد اوّل، برگ ۴) بوده است. ناگفته نماند که در آغاز جلد دوم، مروزی عنوان کتاب خود را جهان‌آرای تاریخ شاهنشاهی نامیده است (همان، جلد دوم، برگ ۳).

نیت مروزی این بوده است که هر ده سال یک جلد تاریخ عهد فتح‌علی شاه را به‌رشته تحریر درآورد. وی در آغاز جلد اوّل آورده است: «این جلد از تاریخ مشتمل است بر وقایع ده‌ساله پادشاه گیتی‌پناه، دامت سلطنة‌العلیه؛ و افزوده است: «عشرات آتیه نیز انشاء‌الله تعالی... نگاشته خواهد آمد» (همان)؛ و در آغاز جلد دوم نیز یادآور شده است که «اکنون شروع به ترتیب وقایع عشره ثانیه کرده شود» و در دنباله آن آورده است:

چون در جلد اوّل تاریخ جهان‌آرای شاهنشاهی که مشتمل بر وقایع ده‌ساله دولت دوران عدل است، نگارش پذیرفته بود که به عنایت الله و یمن اقبال بری از زوال اعلیحضرت ظل‌الله وقایع عشره ثانیه سلماً و حرباً، کماً، کیفاً، مفصلاً و مشروحاً در جلد دوم وقایع ثبت و ایراد خواهد شد، اکنون چون زمان ایشان به وعد و ایفای به عهد بود، خامه مشکبار طی طریق معهود را به سر پی سپار گردید و از بدایت جلوس همایون که موافق یک‌هزار و دویست و بیست و دو هجری است... (همان).

مروزی در پایان جلد دوم یادآور شده است:

منتّ خدای که به میامن بخت فیروز اعلیحضرت خلافت‌پناهی وقایع عشره ثانیه دولت ابدمدّت آیت حسب‌المیعاد خامه صداقت‌بنیاد کماً و کیفاً سمت اتمام و انجام در پذیرفته و مآثر ده‌ساله سلطنت دوران عدت شاهنشاه گیتی‌پناه [به] تیز زبانی کلک ارادت سلک مفصلاً و مشروحاً گفته آمد و انشاء‌الله الرّحمن وقایع عشره ثالثه نیز از میامن تفضّلات حضرت آفریدگار و برکات اقبال عدیم‌الزوال

شاهنشاه گیتی مدار به لفظی رقیق و معانی دقیق کما یناسب و یلیق به سلک ترتیب گردیده و در حضرت خلافت کبری عرضه داده خواهد شد. یا رب اندر دهن روح الامین آمین باد. (همان، برگ ۱۶۶ ب).

متأسفانه جلد سوم جهان آرا و جلد های دیگر هیچ گاه به نگارش در نیامدند. نگارش جلد اول در سال ۱۲۲۲ قمری و نگارش جلد دوم در سال ۱۲۳۳ قمری پایان یافته است^(۴).

جلد اول و دوم کتاب جهان آرا در بسیاری از کتابخانه های ایران و خارج نگهداری می شود. تا آنجا که نگارنده جست و جو کرده، به نسخه های زیر آگاهی یافته است:

۱. نسخه بانکیپور (Bankipore) شماره 527 (۱۱۶ برگ جلد اول)؛
 ۲. نسخه انجمن آسیایی (Royal Asiatic Society) C.L.I.V (۱۶۵ برگ جلد اول)؛
 ۳. نسخه انجمن آسیایی (Royal Asiatic Society) C.L.V (۲۲۴ برگ جلد دوم)؛
 ۴. نسخه موزه بریتانیا (British Museum) ADD. 22697 (۲۳۰ برگ جلد اول)؛
 ۵. نسخه ویسبادن (Staatsbibliothek de Wiesbaden) NO329 (۲۷۳ برگ جلد اول)؛
 ۶. نسخه کتابخانه دولتی (Staatsbibliothek) NO 230 (۱۶۲ برگ جلد اول)؛
 ۷. نسخه قاهره (Manuscrit Du caire) NO 1981 (۲۱۴ برگ جلد اول)؛
 ۸. نسخه قاهره (Manuscrit Du caire) NO 312 (۱۷۴ برگ جلد اول)؛
 ۹. نسخه کتابخانه مرحوم دکتر علی اصغر مهدوی؛
 ۱۰. دو نسخه کتابخانه ملی پاریس (Catalogue de Bloche No 493-94).
- نگارنده به نسخه های زیر دسترسی یافت و آنها را مطالعه کرد:

نسخه کتابخانه ملی پاریس (Suppl.Pers) شماره‌های ۲۳۵ و ۱۳۱۱ (جلد اول)؛
نسخه موزه بریتانیا لندن (ADD 22.697) - (جلد اول)؛
نسخه‌های (CLIV, CLV) R.A.S (جلدهای اول و دوم).

۵. ترتیب و تنظیم نگارش (روش و منابع)

تاریخ جهان‌آرا به صورتی است که مؤلف بیان کرده است: وقایع و حکایات را واقعه بعد واقعه و سنه بعد سنه علی‌الترتیب والتفصیل با لوازم و لواحق» ترتیب نامه است (وقایع نگار مروزی، بی‌تا: جلد اول، برگ ۵)؛ و در نگارش، «افصح کلام» آن را دانسته است که «به اغلاق لفظ موصوف نباشد و به تعقید معنی معروف» نشود (همان). منابع اصل از «مؤلفات جناب میرزامهدی‌خان» (همان، برگ ۹ ب) و «مولانا محمدساروی» (همان، برگ ۱۳ ب) و اسناد و مآخذ سلطنتی و حکومتی بوده است.

تحلیل و تعلیل تاریخی به شیوه‌های جدید، در این تألیف و تألیفات همزمان دیده نمی‌شود. درباره «اطوار و آثار و اساس دستگاه سلطنت»، «آلات و ادوات متکمل شهریار عدالت‌شعار»، «عدت شاهزادگان والاتبار»، «کمیت سپاه و لشکر ظفرشمار»، «ترتیب امرا و وزراء و شعرا و ندما و ارباب دانش»، «تعمیر مشاهد مقدسه و تجدید بقاع متبرکه» (همان، برگ‌های ۱۴۶-۱۴۸ ب، ۱۴۶ ب، ۵۳-۵۰) بحث شده است، بدین قصد که «مطالعه کنندگان را نیز از وسعت مملکت و بسط دستگاه سلطنت، اطلاع کامل حاصل آید و دانند که سلطنت را در عالم معنی چه و سلطان عدیم‌المثال که بوده، اللهم ابد سلطنة» (همان، برگ ۵ ب).

مروزی در اعتقاد به مذهب تشیع پافشاری دارد؛ و این امر شاید به‌علت حمله بیکی‌جان اوزبک سنی‌مذهب به مرو و کشته‌شدن پدر و برادر و خویشاوندانش باشد. او به قاجاریه به گونه‌ای تعصب ورزیده که در مورد اقامت آقامحمدخان در شیراز و همنشینی با کریم‌خان نوشته است:

چنانچه فرعون مردود به اقتضای تقدیر حضرت موسی - علی نبینا و علیه السلام -
 را به فرزندی از خود شمرد و در تربیت آن کلیم ملک علیم رنج‌ها برد. (همان،
 برگ ۱۰ ب).

مؤلف جهان‌آرا که داروغه دفترخانه همایون و منشی نزدیک به دستگاه سلطنت
 بود، گاه درباره «دیوانیان» اعتراض‌هایی نوشته است؛ برای نمونه:

اریاب مناصب دیوانی را نیز در این جزو زمان، اوقات مصروف به جمع مال است
 نه بر بقای نام و نشر خصال؛ دانگی زر در نظر ایشان بهتر از خرواری هنر است و
 سیمی قلیل نیکوتر از یک جهان ذکر جمیل. (همان، برگ ۵).

به گمان نگارنده، مروزی خود در بقای نام و داشتن خصال نیکو کوشش داشته و
 به بدطینتی و زشت سلوکی او در هیچ تذکره و رساله‌ای اشاره نشده است.^(۵)

کتاب جهان‌آرا، از اشعار مؤلف و شاعران دیگر، به‌ویژه فتحعلی خان صبا، آیات
 قرآن و احادیث شیعی و جملات عربی، بهره فراوان برده و شخصیت ادبی مؤلف را
 به روشنی آشکار ساخته است؛ هرچند که گاه خوانندگان را دچار معضلات
 می‌سازد و گویی سبک نگارش و صاف الحضرة تا زمان وی توانمندی داشته
 است.

فهرست مطالب جلد اول جهان‌آرا از نسخه کتابخانه ملی پاریس
 (Supp.pers، شماره ۱۳۱۱) و جلد دوم از نسخه کتابخانه انجمن سلطنتی آسیایی
 (C.L.I.V, C.L.V) در بعد از پی‌نوشت‌های مقاله با عنوان «پیوست‌ها» درج شده
 است.

سخن پایانی

در تاریخ‌نگاری ایران، هر دوره‌ای شباهت‌ها و همانندی‌هایی با دوره‌های پیشین
 دارد و در عین حال ویژگی‌های زمانی (و گاه مکانی) خود را هم حفظ کرده است.
 صرف نظر از سبک و اسلوب نگارش مؤلفان، روی هم‌رفته، هر دوره از تاریخ
 ایران به گونه‌ی نوعی «مکتب تاریخ‌نگاری» ظهور کرده است.

مکتب تاریخ‌نگاری قاجاریه با آنکه برخوردار از سبک تاریخ‌نگاری صفویه است، به دلیل توانمندی و اثرات ادبی میرزامهدی‌خان استرآبادی، دنباله وقایع‌نگاری «عصر آشوب» است و میرزامحمدصادق وقایع‌نگار مروزی در مرز دو مکتب پیش قاجاری و عصر نوین قاجار به‌شمار آمده است.

فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا، از مشوقان تاریخ‌نگاری دوره اول عصر قاجاری هستند که درباره آنها بهتر است به‌طور دقیق واژه «وقایع‌نگاری» به کار برده شود؛ و آنان که وقایع‌نگار بودند و مروزی که به‌گونه خاص لقب «وقایع‌نگاری» داشت، وقایع سلطنت را سال به سال گزینش می‌کردند و برپایه خواست و نیات پادشاه به‌نگارش درمی‌آوردند و به‌طوری که عنوان شد، با قید «المأمور معذور»، مجملی «از مآثر عهد همایون» را به‌قلم می‌آوردند تا «مقبول خاطر خورشیدمظاهر آید» و اگر درباره واقعه مهمی چون قتل میرزاابراهیم اعتمادالدوله تردید به خود راه می‌دادند، از «سرکار صاحبقرانی» دستور می‌رسید «طوری بنویس که آمر و مأمور هر دو بی‌تقصیر شوند». بدین سان، از وقایع‌نگاری‌های عهد قاجار، انتظار راست‌بودن همه وقایع اتفاق‌افتاده را نمی‌توان داشت تا چه رسد به تحلیل و تعلیل تاریخی که آگاهی از مقدمات آن هم تا پایان دوره سلطنت این سلسله تحقق پیدا نکرد.

پس از مروزی نیز بسیاری از مورخان قاجاری (= وقایع‌نگاران سلطنتی) چون رضاقلی‌خان هدایت (مؤلف *روضه‌الصفای ناصری*)، محمدتقی‌لسان‌الملک سپهر (مؤلف *ناسخ‌التواریخ*)، و حتی مورخ نسبتاً آزاده، محمدجعفر حقایق‌نگار (مؤلف *حقایق‌الاحبار ناصری*)، روی هم‌رفته متأثر از سبک تاریخ‌نگاری (= وقایع‌نگاری) مکتب فتحعلی‌شاهی بودند.

به‌هر حال، در میان وقایع‌نگاران یادشده، محمدصادق وقایع‌نگار مروزی، شهرت و اعتبار بیشتری داشته است و مورخان جدید که به اسلوب تاریخ‌نویسی امروزی

آشنایی دارند، برای پیدا کردن مواد اولیه تحقیق چاره‌ای ندارند جز اینکه کتاب‌های یادشده را مطالعه و بررسی کنند و با روش‌های علمی «حقیقت‌یاب»، راستی‌ها را از ناراستی‌ها بازشناسند و با مقایسه «وقایع» در کتاب‌های متعدد، «یافته‌های» خود را نقادانه به محک شناخت نزدیک‌تر سازند و با تنظیم و ترتیب نسبتاً «علی»، نگارش جدیدی ارائه دهند که با قید احتمال، سیمای روزگار آغازین قاجاریه را آشکار سازند.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آشنایی با این رویداد کم‌شناخته، ← تکمیل همایون، ۱۳۷۰ الف: ص ۴۴۸-۴۲۶.
۲. برای آگاهی بیشتر از شرح احوال وقایع‌نگار مروزی، ← تکمیل همایون، ۱۳۸۴.
۳. برای آگاهی بیشتر، ← تکمیل همایون، ۱۳۷۰ ب: ص ۹۳-۱۶۵.
۴. برای آگاهی بیشتر، ←

Takmil Homayoun, 1972(Partie V, VI).

۵. خاندان او و اخلافش همه خوشنام بودند. خانواده وقایع‌نگار بیش از یکصدسال در کوچه مشهور وقایع‌نگار در تهران (جنوب محله بازار)، شهرتی نیکو داشتند.

پیوست‌ها

فهرست جلد اول

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمدك اللهم يا من لك الامر..... (IV).

در نظم و ترتیب و اسلوب این روزنامه وقایع و مآثر پادشاه جهانگشای عالم آرا عندلیب خامه دستان سرا و رطب اللسان است (4).

به ذکر انساب اتراک در بدایت سخن حکایت گذار است (5V).

به ذکر نسب طایفه قاجار عموماً و حسب سلسله جلادت شعار خدیو کامکار خصوصاً حکایت گذارد (7).

گفتار در ولادت باسعادت خاقان گیتی‌ستان و میلاد شرافت‌بنیاد این شهنشاخ خلافت‌نشان ابقاه‌الله الی انقضاء الزمان بالدولة والسعادة والسلطنة (II).

راه‌نوردی اشهب قلم مشکین رقم و روادی انقضای دولت کریم‌خان زند و جولان یکران. عزیمت اعلی حضرت قدر قدرت ظل‌اللہی آقامحمدخان عم بزرگوار این خسرو فلک‌اقتدار از دارالعلم شیراز به صوب ولایت مازندران و افراشتن لوای سلطنت در آن سامان (I3).

گفتار در عزیمت پادشاه جهان‌گشا آقامحمدخان به صوب دارالعلم شیراز (I5v).
گفتار در ارسال داشتن امنای دولت و خواص حضرت عرایض اخلاص فرایض به صوب دارالعلم شیراز و آگاهی خدیو بنده‌نواز از قضیه پرسوزو‌گداز خاقان رضوان‌مکان و افراشتن لوای ظفر انما به صوب دارالسلطنه طهران و صادرات آن اوان (2Iv).

گفتار در عزیمت خاقان گیتی‌ستان به تنبیه صادق‌خان شقاقی و انہزام آن طایفه شقاق‌آیین به عنایت خالق زمان و زمین و سایر وقایع (24v).

گفتار در حرکت رایات ظفرآیات به صوب زنجان و استرداد جواهر و بازوبندهای خاقان رضوان‌آشیان از صادق‌خان (26).

در جلوس میمنت‌مأنوس پادشاه گیتی‌پناه بر سریر دارایی و اورنگ جهان‌گشایی، خامه و وقایع‌نگار مشکبار است (29).

ذکر ورود محمود میرزای افغان به آستان فلک‌پاسبان (31).

ذکر خروج محمدخان‌زند و پراکندگی آن برگشته‌بخت نکبت‌پیوند (32).

ذکر مخالفت خوانین آذربایجان و حرکت رایات ظفرنشان به آن سامان و تأدیب آن سرکشان به یاری حضرت منان (34).

گفتار در حرکت رایات ظفرآیات از قلعه ارومیه به جانب خوی و وصول خبر مخالفت نواب حسینقلی‌خان و عزیمت موکب بیضاشراف به ولایت عراق و وقایع عرض راه (36).

تتمیم ذکر حکایت سلیمان‌خان قاجار (40v).

ذکر مرخصی محمود میرزای افغان و عزیمت او به صوب خراسان (4I).

ذکر عزیمت جعفرقلی‌خان به صوب ولایت خوی و سلماس و انجام آن فتنه‌جوی حق‌ناشناس (4Iv).

بهارآرایی قلم مشکین رقم و خامه عنبرین شیم به ذکر وقایع سال فرخنده‌فال قوی‌ئیل خیرات دلیل ترکی مطابق یک‌هزار و دوویست و سیزده هجری، سال دویم جلوس میمنت‌مأنوس اعلی حضرت ظل‌اللہی (44v).

ذکر حرکت موکب ظفرنشان از خارج نیشابور به تسخیر مشهد مقدس و مجاری حالات آن سامان (48v).

گفتار در گم‌گشتن سررشته راه و فروماندن بعضی از پیادگان جنود ظفرهمراه و ظهور مراحم پادشاه گیتی‌پناه مر جنود نصرت‌نمود را در آن ورطه جانکاه (50v).

تتمیم ذکر نایب السلطنه العلیه و خلیفه‌الخلافة البیهه عباس میرزا و تسخیر قلعه هودر و انهزام جعفرقلی خان دنبلی بار دیگر از غازیان ظفرآثر (52).

ذکر ورود نواب محمود میرزای افغان مره بعد اولی به درگاه عالم‌پناه و صادرات ایام توقف دارالسلطنه طهران (53v).

صورت آرایی خامه‌مشکین ختامه به ذکر سور سرور قره باصره شهریار و عزة ناصیه جهاننداری حسینقلی میرزا اطال بقاه (54v).

گفتار در ورود میرزامهدی علی‌خان حشمت بهادر جنگ از جانب جنرال بهادر فرمان فرمای انگریس به درگاه عالم‌پناه و سایر وقایع (57v).

وزیدن نسیم بهاری قلم مشکین رقم بر سرابوستان وقایع داستان سال فرخنده‌فال پیچی‌ئیل خیریت دلیل ترکی مطابق یکهزار و دوست و چهارده هجری، سال سیم جلوس میمنت‌مانوس اعلی حضرت ظل‌اللہی و عزیمت ولایات خراسان مرتبه ثانی و شکفتن غنچه‌های حکایات و روایات جدید از گلبن سخن‌زایی به عون عنایت ربانی (58v).

ذکر سیاست صادق خان شقاقی (62).

بیان عزیمت موکب والا به صوب دارالسلطنه قزوین و صادرات آن اوان (65).

گفتار در ورود ملک‌م بهادر از جانب پادشاه انگریس به آستان سپهر پاسبان سلاطین امیدگاه (66). گلکاری چمن سرای خامه در سرابوستان داستان فرخنده‌فال تخاقوی‌ئیل خیریت دلیل مطابق سنه ناقصه هزار و دوست و پانزده هجری که سال چهارم جلوس میمنت‌مانوس خاقان گیتی‌ستان است و تنبیه سرکشان ولایت خراسان و سایر وقایع و گزارش آن اوان (66v).

گفتار در عزیمت ابراهیم خان بنی‌عم خاقان گیتی‌ستان به صوب سبزووار حسب الامر خدیو معدلت آثار (69v).

ذکر ظهور خیانت معتمدالدوله حاجی ابراهیم خان شیرازی خباث مشحون و اجرای حکم سیاست سلطانی نسبت به آن و تبعه دون ذلک بماعصوا و کانواعدون (70).

شاهباز خامه وقایع‌نگار به ذکر داستان صید و شکار شهریار سپهر اقتدار صید تذروان معانی را پرنشانی می‌کند (71).

خامه وقایع‌نگار در عزیمت شاهنشاهی سلیمان اقتدار به چمن لار مشکبار است (73v).

بیان طغیان حسینقلی خان و عزیمت او از کاشان به دارالسلطنه اصفهان و حرکت رایات جهان‌گشای ظفرنشان از دارالسلطنه طهران و تنبیه سرکشان وادی طغیان و کل من عصی و خان (74v).

خامه وقایع‌نگار به ذکر انتقال نیر اعظم به دارالشرف حمل و جلوس خاقان خورشید شید بر تخت خورشید گوهر بار است (78v).

در بیان حرکت موکب ظفرنشان به تسخیر دارالملک خراسان نوبت سیم و سایر وقایع اتفاقیه در آن اوان (82v).

ذکر قضیه کربلای معلی و سبب حدوث آن حادثه کبری (84).

تتمیم ذکر محمود میرزای افغان (85).

ذکر سور با سرور نایب السلطنه العلیه و خلیفه‌الخلافة البهیة عباس میرزا طال بقاه و نال مناه (85v).

تتمیم حکایت قیصر میرزای افغان (92v).

ذکر وقایع سنه یکهزار و دوست و هفده هجری مطابق سال فرخنده فال تنگوزیل ترکی که ششم سال جلوس میمنت‌مأنوس است (93v).

ذکر عرض پیشکش نایب السلطنه عباس میرزا اطال بقاه (95v).

ذکر حرکت رایات ظفر آیات به تنبیه ترکمانیه ساکن گرگان و طایفه یموت و کوکلان (96v).

ذکر وفات مهدعلیا و ستر کبری، والده پادشاه جهانگشا طاب اله تراها (97v).

ذکر تسخیر قلعه مشهد مقدس و تدمیر نادر میرزای افشار (98v)

ذکر انتقال نیر اعظم به دارالشرف حمل و ترتیب بزم خسرو گردون محل خسرو سیارگان در این سال بهجت‌نشان (I00).

گفتار در عزیمت موکب همایون به تنبیه سرکشان طایفه روس و شمه‌ای از اوضاع روسی طایفه (I02).

ذکر منازعه جنود ظفر نمود با سپاه روسیه، نوبت ثانی (I06v).

گفتار در اخبار مقریین حضرت علیا را از کیفیت ماجری (I08v).

گفتار در شبیخون آوردن روسیه بر سپاه ظفر همراه و انهزام آن طایفه گمراه (I10v).

ذکر ورود فرستادگان ناصرالدین‌توره، شاهزاده ترکستان، به دارالخلافة طهران و تمسک به این دولت ابدینیان (I12v).

بیان طغیان محمدخان افغان و عاقبت امر آن ضلالت‌نشان (I16v).

ذکر وقایع سال فرخنده فال یکهزار و دوست و نوزده عربی مطابق اودئیل سعادت تحویل ترکی که سال هشتم جلوس میمنت‌مأنوس خسرو جهانگیر و سلطان گردون سریر است (I17v).

ذکر ورود احمد چلبی، فرستاده علی‌پاشا وزیر دارالسلام بغداد به آستان بنیاد عدالت، مشاطه خامه شاهد سخن را به ذکر سور با سرور شاهزاده کامکار حسینعلی میرزا زیب‌افزا است (I26).

تتمیم داستان طایفه روس و انجام کار ایشان از گردش سپهر آبنوس (I28).

ذکر ورود فرستادگان پادشاه فرانسه به درگاه جهان‌پناه (I29).

خامه عیسوی دم و ملک بهجت‌رقم در وصف بهار عالم آرا معنی‌نگار است (I3Iv).

در ذکر عزیمت پادشاه جهانشا به صوب چمن سلطانیه و تعیین سپاه ظفرهمراه به تنبیه روسی و رومی (I35v).

ذکر تفویض ولایت عربستان و لرستان فیلی و سامان کرمانشاهان به شاهزاده و الاتبار محمدعلی میرزا ابقاء الی الانقضاء الزمان (I34v).

تتمیم ذکر علی پاشا، وزیر دارالسلام بغداد (I35).

بدو حکایت در انتقال سلطنت عظمی به حضرت خلافت است و شمه ای از محسنات صوری و معنوی و اخلاق ملکانه پادشاه جهانگشا (I38).

در تفصیل آلات و ادوات مکمل و جواهر ثمین و وصف خزانه عامره پادشاهی (I42).

در وصف دیهیم و افسر شاهنشاه گیتی پناه که زیب افزای چهره معانی گردیده (I42v).

عروس معانی را به زیور ذکر حمایل و کمر و خنجر و بازوبند متکمل سلطان سلاطین جهان آرایش می دهد (I43).

شاهد سخن را در وصف تخت فلک رخت همایون داور دارا دربان بر کرسی می نشاند (I43v).

به ذکر سپر و شش پر و شمامه مغبر خدیو گیتی ستان، دماغ جان معطر می نماید (I44).

مریم خامه به ذکر اوصاف در آری سپهر سلطنت و نوباوگان خلافت به معانی اعجاز بارور است (I46).

در ذکر وزرا و امرا و ندما و شعرا؛ رکاب همایون، پرده از چهره شاهد دلارای می گشاید (I46v).

خامه وقایع نگار در وصف سپاه نصرت همراه پادشاهی زبان و صافی گشاده است (I48v).

در ذکر آثار و علامات و ابنیه و عمارات پادشاهی سخن سازی می نماید (I50).

ذکر تعمیر سد مبارکه بلده طیبه قم صانها اله عن التلاطم (I52).

در بیان بنای دارالشفای حضرت معصومه (علیها السلام) نکته پردازی می شود (I53).

خامه دربراب درباب دو در طلای مینا که بجهت آن بضعه احمدی و رواق گردون نطق آن سلاسل

محمدی ساخته گردیده، درافشانی می نماید (I53).

ذکر عمارت مسجد جامع دارالسلطنه طهران که از جمله بناهای عظیمه آن سلطان عدالت نشانست (I53v).

ذکر عمارت قصر قاجار و توصیف آن روضه ارم آثار (I54v).

خامه بدیع الیان به ذکر بنای دلگشای نگارستان، دامان ورق رارشنگ نگارستان می نماید (I56v).

قلم مشکبار در توصیف تخت قاجار عنبریار است (I58).

ذکر عمارت جهان نما و وصف آن روضه بهجت انما (I59).

ذکر عمارات عالیات پادشاهی لازالت معموره به الطاف الهی.

قصر خورشید - قصر گلستان (I60).

ذکر عمارت عشرت‌آیین شاهد سخن را شادی‌بخشای جان و سرورافزای روان است (I62).

قصر دیگر مسمی به بهشت‌آیین (I63v).

ذکر عمارت سروستان (I64).

وصف عمارت معروف به خلدبرین که در دارالسلطنه اصفهان به امر پادشاه گردون توان ساخته گردید (I64v).

خامه‌مشکین رقم به ذکر عمارت بحرالارم واقع در کشور مازندران، ساحت ورق را چون روضه ارم می‌نماید (I66).

ذکر عمارت قصرچنان که در چشمه‌علی گردیده است (I67v).

ذکر عمارت سپهربرین که در چمن سلطانیه معمور آمد (I67v+I).

تا چه کند شاه و چه گوید قضا تا چه بود حکم و چه سازد قدر

تمته‌الکتاب جهانگشا جنت و رضوان آرامگاه فتحعلی‌شاه قاجار فی یوم دویم شهر محرم الحرام موافق سال فرخنده‌فال سچقان نیل هزارودویست و شصت و نه هجری. حرر اقل خلق‌اله حبیب‌اله (I69).

فهرست جلد دوم

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین حمد و سپاس و ثنا و ستایش مر خداوندی را رواست (Iv).

آغاز بهار آراییی یازدهم سال جلوس میمنت‌مأنوس موافق یک‌هزارودویست و بیست و دوم هجری مطابق سال فرخ‌فال توشقان‌ایل خیریت (دلیل) ترکی (3).

تتمیم ذکر روسی سپاه و انجام کار آن فرقه ضلالت‌همراه پس از قتل اشپخدر (4v).

گفتار در نظم نظام جدید و ترتیب نظم سدید (6).

ذکر ورود یوسف‌پاشای سرعسکر روم به ارزنة‌الروم و مجادلت با روسیه آن مرز و بوم (6v).

ذکر عزیمت محمدخان قاجار نایب دارالملک خراسان به رعایت هرات و قتل افاغنه ضلالت‌سمات (7v).

ذکر مراجعت موبظفرنشان به صوب دارالخلافة طهران (10).

ذکر ورود فرستادگان قرال فرانسه به دربار معدلت‌مدار (10v).

ذکر کشته‌شدن علی‌پاشای وزیر بغداد و تعیین سلیمان‌پاشای کهیا به وزارت از جانب دولت علیه (I2v).

خامه‌مشکبار در ورود بهار عالم‌آرا سخن آراییی می‌نماید (I3v).

ذکر ورود فرستاده گداویچ - سردار روس - به دربار معدلت مدار به طلب موافقت و مسالمت (I4v).

ذکر نهضت سلیمان پاشای وزیر بغداد و مجادلت با اکراد بابان و انجام کار ایشان (I5v).
ذکر ورود شاهزاده آزاده محمدعلی میرزا به اردوی کیهان پوی و عرض پیشکش به خاک پای توتیا آسای شاهنشاهی (I6).

ذکر عزیمت گداویچ به تسخیر قلعه ایروان و عاقبت کار آن ضلالت نشان (I8).
تتمیم ذکر اسمعیل خان سردار و انجام مهام مملکت فارس (2I).
ذکر ورود سرفردترجنس - سفیر انگلیس - به آستان سپهر پاسبان شاهنشاه گیتی ستان دارادربان (2Iv).

خامه مشکبار در ورود بهار نافه گشایی می نماید (23v).
ذکر ورود میرقلیچ خان تیموری به دربار گیتی (پناه) و آوردن مصطفی قلی خان عرب حاکم ترشیز را به خاک پای شاهنشاه گیتی گشای (25)
ذکر عزیمت شاهزاده آزاده محمدعلی میرزا حسب الامر پادشاه جهانگشا به جانب تفلیس و صادرات عرض راه (26v).

ذکر عزیمت حضرت نایب الخلافه به صوب گنجه و منازعه به اطوار مصوف سردار روس و صادرات آن اوان (27v).
تتمیم شاهزاده آزاده محمدعلی میرزا (28).
ذکر وصول مژده فتح شاهزاده آزاده محمدولی میرزا - والی خراسان - و قتل طایفه تکه ساکن آن سامان (29v).

ذکر مخالفت مصطفی خان طالش و مأمورگردیدن فرج‌اله‌خان به تنبیه او و صادرات آن حدود (30).

ذکر ورود القاص بیک باش آجیقی از نزد والی باش آچق به دربار معدلت مدار (3Iv).
ذکر منازعه صادق خان قاجار دولو به حکم شاهزاده آزاده حسینعلی میرزای فرمانفرمای مملکت فارس با طایفه وهابی و شکست آن فرقه ضاله از لشکر اسلام (32).

ذکر احضار قائم مقام به دربار سپهر احتشام به جهت تعمیر قلاع رزینه در مملکت آذربایجان (32v).
خامه وقایع نگار در ورود بهار سخن گذار است (33v).

ذکر ورود ملکم بهادر از جانب فرمانفرمای هندوستان به دربار معدلت بنیان (34v).
استمداد سلیمان پاشای وزیر بغداد و خاتمه کار او (36).

ذکر ورود مسعود به دارالخلافه ری (37v).

ذکر ورود عسکرخان افشار ارومی از سفارت دولت فرانسه به دربار گیتی‌مدار شاهنشاه گردون‌وقار (38v).

خامه و قایع‌نگار در تجدید بهار مشکبار است (39).

ذکر انهزام طایفه وهابی از لشکر منصور در حدود درعیه و صورت آن ماجری (4I).

ذکر عزیمت موکب ظفرکوکب به صوب ییلاق سلطانیه و سرور با سرور شاهزادگان

آزاده شیخعلی میرزا و عبدالله میرزا طال بقاهما (42).

ذکر عزیمت شاهزاده آزاده محمدولی میرزا - والی دارالملک خراسان - به صوب هرات و صادرات آن سفر بهجت اثر (44).

ذکر تعیین لشکر قیامت اثر به تدمیر عبدالرحمن پاشای بابان (45).

ذکر ورود سرگوز اوزلی - سفیر بزرگ دولت بهیة انگلیس - با میرزا ابوالحسن خان - سفیر

دولت علیه ایران - به آستان سپهرنشان (47v).

ذکر عزیمت حضرت نایب‌الخلافه به تسخیر و تدمیر روسیه (49).

صفت بزم شاهنشاه گیتی‌گشا خلداله ملکه (5I).

خامه مشکبار در ورود بهار عالم‌آرا الخلخه‌سایی می‌نماید (52v).

در رکضت موکب همایون به صوب سلطانیه سخن گذار است (54).

ذکر تعیین سپاه کینه‌خواه به تنبیه عبدالله پاشای وزیر دارالسلام بغداد (56v).

ذکر تعیین سپاه نصرت‌همراه به تدمیر مصطفی‌خان طالش و نظم آن حدود و سامان (57v).

ذکر ورود اسمعیل‌آغای حاکم ارییل از جانب وزیر بغداد (58v).

ذکر ورود میرزا بزرگ قائم مقام در دارالسلطنه تبریز به حضرت علیای خلافت به استیذان مصالحه

با سردار رومی به استدعای سرگوز اوزلی سفیر دولت انگلیس (59).

تتمیم ذکر عبدالرحمن بابان و تعیین لشکر ظفرنشان به آن حدود و سامان (59v).

ذکر منازعه لورسکی ینارال قراباغ در منزل اصلان دوزی با حضرت نایب‌الخلافه و تفصیل آن

ماجری (6I).

ذکر عزیمت اسمعیل‌خان سردار به صوب اردبیل (63).

ذکر ورود روسیه به قلعه لنکران و تفصیل آن داستان (64v).

خامه و قایع‌نگار را سر بهار‌آرایی و هوای‌گشایی است (65v).

ذکر تعیین اسمعیل‌خان شام بیاتی و ذوالفقارخان حاکم سمنان و سرکرده هزار سمنانی (به تنبیه

خواجه کاشغری و تفصیل احوال خواجه مزبور (67).

ذکر ورود رجب آغای بغدادی از جانب اسعدپاشای وزیر بغداد به درگاه عدالت بنیاد (69).

ذکر ورود جلیل‌الدین افندی از جانب دولت علیّه عثمانی به دربار گیتی‌مدار خاقانی (70).

ذکر ورود مژده فتح شاهزاده آزاده محمولی‌میرزا و فرستادن اسرای ترکمان را به درگاه آسمان‌جاه شاهنشاه اسلام‌پناه (70v).

ذکر نهضت موکب ظفرکوب به صوب چمن اوجان (71).

ذکر ورود سرگوز اوزلی ایلچی با فرستاده روبش جوف سردار روس به استدعای مصالحه و قرار متارکه به دربار معدلت‌آثار و دارای گیتی‌مدار (72).

ذکر سفارت میرزا محمد رضای قزوینی منشی سرکار دیوان قضانشان به حضرت قیصری (73).

ذکر مخالفت خوانین خراسان با شاهزاده آزاده محمولی‌میرزای والی خراسان و تفصیل آن داستان (73v).

ذکر خیانت و عصیان خوانین خراسان با شاهزاده محمولی‌میرزا اظهار خسرو تاجداران آن داستان نمایان را به امرا و سرداران و نهضت موکب همایون به دارالخلافت طهران (75v).

ذکر اختلاف کلمه خراسانیان و ظهور خلاف مابین ایشان (77).

ذکر ورود موکب ظفرکوب به دارالخلافت طهران صانها اله عن الحدثان (78).

ذکر ورود رحیم‌خان - والی اورگنج - به حدود ... و عاقبت کار آن نادان در آن سامان (78v).

ذکر نهضت موکب میمنت‌نشان به صوب ولایت قم و کاشان (80).

ذکر عمارت فین و نزهت آن سرزمین (81).

ذکر تعیین امیرجان نثار اسمعیل‌خان سردار به تنبیه فتنه‌جویان خراسان و انتظام آن سامان (82).

خامه سخن آرا را سر بهار آرایی است (82v).

ذکر ترخص سرگوز اوزلی - سفیر انگلیس - از دربار معدلت‌مدار (84).

تتمیم ذکر اسمعیل‌خان سردار در دارالملک خراسان (84v).

ذکر حرکت رایات گردون‌شکوه به بیلاقات ارجمند و فیروزکوه (86v).

داستان طغیان محمدزمان قاجار و انجام کار آن نابکار کفران‌شعار (87v).

ذکر گرفتاری آن نابکار خذلان‌شعار (89).

ذکر حرکت امیرجان نثار اسمعیل‌خان سردار به صوب بلده هرات به عزم مقاتله با شاهزاده کامران افغان (90v).

ذکر ورود شاهزاده آزاده محمولی‌میرزای والی خراسان و حسنعلی‌میرزای ناظم دارالخلافت طهران به موکب فیروزی کوکب (93).

ذکر تعیین قیامت اثر به نهب و غارت طایفه یموت و کوکلان (93v).
ذکر ترخص شاهزادگان آزاده محمدولی میرزا و حسنعلی میرزا به دارالملک خراسان و دارالخلافة طهران (95).

ذکر سور با سرور شاهزادگان عظام امام‌وردی میرزا و محمدرضامیرزا و حیدرقلی میرزا طال بقاهم (95v).

ذکر ورود سفرای روم و روس و فرنگک به دربار معدلت مدار (97v).
عندلیب خامه به ورود بهار عالم‌آرا دستان سراسر (99).

ذکر حرکت موکب ظفر کوکب به صوب چمن خوش بیلاق و تعیین اسمعیل خان سردار به تنبیه اکراد مفسدت شعار (I00v).

ذکر ورود عبدالرشیدخان درانی با پیشکش حاجی فیروز افغان به آستان معدلت بنیان (I04).
ذکر عزیمت موکب همایون به قشلاقات بلده طیبه قم (I04v).

خامه مشکبار در ورود بهار داستان آرای می نماید (I06).

ذکر تعیین میریاسا فرج اله خان افشار با ترکان خونخوار به صوب خراسان و صادرات آن اوان (I08).

ذکر عزیمت رحیم خان - والی ارگنج - به تاخت طایفه یموت و کوکلان حدود استرآباد و انجام کار آن غوایت بنیاد (I08).

ذکر نهضت رایات ظفر آیات به صوب بیلاق سلطانیه (I10v).

ذکر عزیمت شاهزاده آزاده محمدولی میرزا به تنبیه اکراد غوایت بنیاد (III).

ذکر تفویض ولایت غوریان به اسکندر خان هزاره و اغتشاش ولایت غوریان و حرکت محمدخان نایب به آن سامان (II3v).

ذکر تفویض مملکت خراسان به شاهزاده آزاده ناظم‌الخلافة حسنعلی میرزا و تعیین اسمعیل خان سردار به تدمیر اشرار و تنبیه آن گروه مخالف شعار (II8v).

عندلیب خامه وقایع‌نگار در ورود بهار عالم‌آرا دستان سراسر (I20v).

ذکر عزیمت شاهزاده آزاده حسنعلی میرزای والی مملکت خراسان به صوب بلده هرات و صادرات آن اوقات (I22v).

گفتار در عزیمت والا به حدود مرغاب و تفصیل آن ذهاب و ایاب (I28v).

تتمیم ذکر سفارت میرزا ابوالحسن خان و مراجعت وی به درگاه آسمان‌جاه با سفیری بلندپایه به امضای مهم مصالحه بین الدولتین (I32v).

ذکر سور با سرور شاهزادگان آزاده علی‌شاه و اله‌وردی میرزا طال بقاهما (I33v).

ذکر کیفیت ورود ایلچی بزرگ دولت روس به دربار خلافت مانوس (I36v).
 ذکر حرکت موبک ظفر کوب به صوب سلطانیه (I37v).
 کیفیت ورود ایلچی به حضور باهرالنور اشرف اعلی (I38v).
 ذکر عرض تحف و هدایای سفیر دولت روس (I40).
 ذکر نهضت موبک‌هایون قشلامیشی را به صوب ولایت مازندران (I41v).
 ذکر حرکت شاهزاده آزاده حسنعلی میرزای فرمانفرمای مملکت فارس به صوب گرمسیرات فارس و تنبیه سرکشان و غاصبان آن سامان (I42v).
 ذکر ورود فتحی‌خان افغان به بلده هرات و حوادث اتفاقیه در آن بلده نزهت آیات (I43v).
 خامه مشکبار در ورود بهار عالم آرا سخن آراست (I45v).
 ذکر تعیین امرای نامدار ذوالفقارخان و مطلب‌خان با سربازان سمنان و دامغان به صوب خراسان و روانه شدن جناب معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب به استکشاف احوال و اوضاع مخالفین و موافقین و استمالت خاطر آن و این (I48).
 گفتار در حرکت رایات نصرت آیات از چمن میدان جوق به عزم تنبیه رحیم‌خان والی خوارزم (I55v).
 ذکر اهتزاز دیوبه جهانگشا از چمن پرشهار به سامان خوبشان و صادرات اتفاقیه آن سامان (I59v).
 تمیم ذکر محاصره خوبشان و انجام مهم رضاقلی‌خان (I63v).

الهم ابد دولة العلیه و خلد خلافة الهیة بمحمد و آله خیر البریه بحمداله
 اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و الصلوة والسلام
 علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین وسلم
 تسليماً كثيراً كثيراً
 سنة ۱۲۳۴ (I66v)

کتابنامه

آرین پور، یحیی. ۱۳۵۱. *از صبا تا نیما*. تهران: فرانکلین.
 اقبال آشتیانی، عباس. ۱۳۶۲. *مقدمه بر مجمع‌التواریخ*. تهران: طهوری - سنایی.
 امین ریاحی، محمد. ۱۳۶۹. *مقدمه بر تاریخ عالم‌آرای نادری*. تألیف میرزا کاظم وزیر مروی. تهران: نشر علم.

انوار، سید عبدالله. ۱۳۴۱. *مقدمه بر تاریخ جهانگشای نادری*، تألیف میرزا مهدی استرآبادی. تهران: انجمن آثار ملی.

بهار، محمدتقی (ملک الشعرا). ۱۳۳۷. *سبک‌شناسی*. تهران: امیرکبیر.
تکمیل همایون، ناصر. ۱۳۷۰ الف. «قاجارهای مرو و ترکمانان [آزبکان]»، *یغمای سی و دوم (یادنامه حبیب یغمایی)*، گردآورنده: ایرج افشار با همکاری قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران: انتشارات ایران.

_____ . «میرزا محمدصادق مروزی درمسند وقایع‌نگاری»، *فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی (ویژه‌نامه تاریخ)*، تهران: دانشگاه الزهرا (سال پانزدهم، شماره ۵۳).
_____ . «وقایع‌نگاری»، یکی *قطره باران (جشن‌نامه استاد دکتر عباس زریاب خویی)*، به کوشش دکتر احمد تفضلی، تهران: نشر نو. ۱۳۷۰.
خاوری، فضل‌الله شیرازی. ۱۳۸۰. *تاریخ ذوالقرنین*. به اهتمام ناصر افشارفر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

دنبلی، عبدالرزاق. بی‌تا. *مآثر سلطانیه*. چاپ تبریز (بدون شماره صفحه).
ساروی، محمد فتح‌الله بن محمدتقی. ۱۳۷۱. *تاریخ محمدی (احسن‌التواریخ)*. به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: امیرکبیر.
شهیدی، سیدجعفر. ۱۳۴۱. *مقدمه بر دره نادری*، تألیف میرزامهدی استرآبادی. تهران: انجمن آثار ملی.

شیرازی، عبدالکریم. بی‌تا. *زینت‌التواریخ*. کتابخانه ملی پاریس (Supp.pers)، شماره ۲۱۳۳.
مدرس رضوی، محمدتقی. ۱۳۵۶. *مقدمه بر مجمل‌التواریخ*، تألیف محمدبن امین گلستانه. تهران: دانشگاه تهران.
نفیسی، سعید. ۱۳۶۳. *دیباچه بر تاریخ گیتی‌گشا*، تألیف میرزامحمدصادق موسوی نامی اصفهانی، تهران: اقبال.

مروزی، محمدصادق. بی‌تا. *جهان‌آرا*. نسخه کتابخانه ملی پاریس، شماره ۱۳۲۲ (Suppl-Pers).
هدایت، رضاقلی‌خان. ۱۳۳۶. *مجمع‌الفصحاء*. به کوشش مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر.
Takmil Homayoun, Nasser. 1972. UN Chroniqueur de la Premiere Periode@ĀJĀR (These 3eme Cycle). Paris (Partie V,VI).